فصلنامه پژوهش‌ها و سیاست‌های اقتصادی
سال بیست و سوم، شماره ۷۳، بهار ۱۳۹۴، صفحات ۲۰۲-۱۷۹

تأثیر متقابل متغیرهای استاندارد اقتصادی بر فرایند رشد درآمد سرانه

ابوالفضل شاه‌آبادی
دانشیار گروه اقتصاد دانشکده اقتصاد و علوم اجتماعی، دانشگاه بوعلی سینا، همدان (نویسنده مسئول)
shahabadia@gmail.com

عبداله پورجوان
دانشجوی دکترای علوم اقتصادی دانشگاه شهید چمران اهواز
pourjavan1985@gmail.com

حسین امیری
دانشجوی دکترای علوم اقتصادی دانشگاه علامه طباطبایی
hossienamiri@gmail.com

شناسایی مکانیزم‌های اثرگذاری عوامل نهادی در توضیح تفاوت‌های درآمد بین کشورها گویای اهمیت اقتصاد نهادگرایی است. به پیروی از روش‌شناسی کو و همکاران (۲۰۰۹) هدف پژوهش حاضر تبیین برهم‌کنش شاخص‌های نهادی حکمرانی و متغیرهای استاندارد اقتصادی بر رشد درآمد سرانه ۱۲ کشور منطقه آسیا و خاورمیانه طی دوره (۲۰۱۲-۱۹۹۶) به روش پانل دیتا دومرحله‌ای (Panel TSLS) است. متغیر وابسته مدل لگاریتم درآمد سرانه واقعی است که تابعی از برهم‌کنش‌های شاخص‌های نهادی و ۳ متغیر هزینه‌های تحقیق و توسعه، جذب سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی و درجه باز بودن اقتصاد است. یافته‌های اقتصادسنجی بیانگر آن است که کیفیت عمومی نهادها از کانال‌های غیرمستقیم (هزینه‌های تحقیق و توسعه، جذب سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی و درجه باز بودن اقتصاد) رشد درآمد سرانه را تحت تأثیر قرار می‌دهد؛ بنابراین نهادسازی مکانیزم بازار، کاهش نااطمینانی و ریسک سیاسی و آزادسازی تجاری به لحاظ آماری اثر معناداری بر رشد درآمد کشورهای مورد مطالعه خواهد داشت.

طبقه‌بندی JEL: *P16, P37, H11, O38, O40*
واژه‌های کلیدی: *برهم‌کنش، نهادها، متغیرهای استاندارد، درآمد سرانه، پانل دومرحله‌ای.*

***تاریخ دریافت:۱۳۹۲/۲/۲۳ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۳/۹/۲۹**

[Downloaded from qjerp.ir on 2026-11-05]

۱. مقدمه

موفقیت برنامه‌های آزادسازی بازارها، خصوصی‌سازی و بهبود فضای کسب‌وکار در برخی کشورهای توسعه‌یافته و شواهد مربوط به شکست برنامه‌ریزی متمرکز اقتصادی در دهه ۱۹۹۰ منجر به بازنگری در نقش تنظیم‌گری دولت و نهادهای سیاسی-اقتصادی به‌سوی ایجاد محیطی با بیشترین کارایی مکانیزم بازارها گردید. به عنوان مثال، مقررات‌زدایی که بخشی از سیاست‌های تعدیل ساختاری بود و هدف کاهش بار اضافی مقررات بر کسب‌وکار و اقتصاد بازار را از سوی نهادهای بین‌المللی دنبال می‌نمود، موفقیت چشمگیری در پی نداشت (جلیلیان و همکاران، ۲۰۰۷). با اجرای سیاست‌های خصوصی‌سازی و آزادسازی مالی و اقتصادی در کشورهای در حال توسعه، بحران‌های بسیاری ایجاد شد که ناشی از تمرکز بر حداقل‌سازی نقش دولت و سپردن کامل بازارها به‌دست نامرئی آدام اسمیت بود (مجون، ۱۹۹۷ و کرک‌پاتریک و پارکر، ۲۰۰۵).

بانک جهانی (۲۰۰۱) بیان می‌کند مدل تنظیم‌گری دولت بر این ایده استوار است، زمانی‌که بازارهای رقابتی و فضای کسب‌وکار به‌خوبی فعالیت می‌کنند فعالیت‌های مولد می‌بایست به بخش خصوصی انتقال یابد و زمانی‌که به‌طور معناداری شکست بازار وجود دارد تنظیم‌گری و هدایت‌گری دولت اهمیت خاصی می‌یابد. در واقع، ایجاد ساختارهای سیاستگذاری و تنظیم‌گری مؤثر در کشورهای در حال توسعه تنها موضوع طراحی فنی ساده ابزارهای سیاستگذاری نیست، بلکه با کیفیت حمایت از نهادهای تنظیم‌گری، ظرفیت‌های توسعه کسب‌وکار و سرمایه‌گذاری و رشد اقتصادی در ارتباط است (بانک جهانی، ۲۰۰۲)،بنابراین اثربخشی این نهادها و چگونگی برهم‌کنش آنها با سایر متغیرهای استاندارد اقتصادی از مهم‌ترین عوامل تعیین‌کننده کارایی عملکرد بازارها و دستیابی به رشد اقتصادی باثبات در کشورهای در حال توسعه خواهد بود.

بر این اساس هدف پژوهش حاضر بررسی تجربی آثار متقابل و برهم‌کنش بین شاخص‌های نهادی حکمرانی و متغیرهای استاندارد اقتصادی بر توضیح رشد کشورهای برگزیده آسیا و خاورمیانه[1] طی دوره (۲۰۱۲-۱۹۹۶) به روش پانل دیتا است. با توجه به قدمت تاریخی و تشابهات فرهنگی و نهادی و سطوح توسعه‌یافتگی نمونه مورد مطالعه منحصر به کشورهای آسیایی است.

[1]. فهرست کشورها و برخی از مهم‌ترین آمارهای توصیفی آنها در پیوست ارائه شده است.

[Downloaded from qjerp.ir on 2026-11-05]

۲. ادبیات نظری و پیشینه پژوهش

مشارکت نقش نهادها در تئوری اقتصادی بحث چندان جدیدی نیست. به‌عنوان مثال، کواز (۱۹۳۷) در مقاله‌ای یکی از اساسی‌ترین فروض تئوری خرد اقتصادی یعنی کارکرد آزاد مکانیزم بازارها و عدم وجود هزینه‌های مبادله را به چالش کشید. به‌عقیده وی استفاده از سازوکار بازار هزینه‌بر است و هدف از تشکیل بنگاه اجتناب از هزینه‌هایی است که بازار و مبادلات بازاری بر جامعه تحمیل می‌کنند (نصیری اقدم و نادران، ۱۳۸۵). کرس‌ول (۱۹۹۹) معتقد است زمانی‌که قراردادها (به‌عنوان مثال در قرارداد مدیر-کارگر) ناقص باشد برای حل مشکلات بیان نشده، می‌بایست به قوانین پیش‌فرض و نهادهای مرسوم جامعه اتکا نمود. در این وضعیت اعتماد به نهادها و قوانینی که تخصیص بهینه منابع و کمترین هزینه‌های مبادله را در پی داشته باشد نقش اساسی در عملکرد مطلوب اقتصادی خواهد داشت.

مفهوم نهادها به پایه‌گذاری قوانین بازی در جامعه باز می‌گردد. نهادها در طول یک طیف تعریف شده‌اند. در یک سوی طیف نورث (۱۹۹۰) به‌طور گسترده نهادها را محدودیت‌های رسمی و غیررسمی ابداع‌شده از سوی انسان‌ها بر تعاملات محیط سیاسی، اقتصادی و اجتماعی خود تعریف می‌کند. در این دیدگاه نهادهای خوب به‌عنوان تأسیس ساختاری خودانگیز و محرک نااطمینانی را کاهش و کارایی را بهبود می‌بخشد. در سوی دیگر، نهادها به‌عنوان مؤسسات سازمانی ویژه ابزارهای اجرایی و چارچوب‌های تنظیم‌گری مقررات تعریف می‌شوند. به‌عنوان مثال، می‌توان به التزام دولت‌ها به استقلال بانک مرکزی، وجود و طراحی ترتیبات کارای تجارت بین‌الملل، مقررات مربوط به مدیریت علمی نیروی کار و توسعه بازارهای مالی اشاره نمود. در واقع، تصورات سیاسی و اقتصادی و آب‌وهوای اجتماعی در سنجه‌های نهادی هر کشور تجسم می‌یابد و به احتمال فراوان عامل کلیدی در شکل دادن شرایطی کلی کسب‌وکار، سرمایه‌گذاری و رشد اقتصادی می‌باشد (مک‌فارلن و همکاران، ۲۰۰۳).

به اعتقاد نورث نهادها به‌همراه فناوری استفاده‌شده هزینه‌های تولید و مبادله را تعیین می‌نمایند، از این رو سودآوری کسب‌وکار و اشتغال را متأثر می‌سازد. نهادها کلید درک روابط متقابل بین سیاست و اقتصاد و پیامدهای این برهم‌کنش بر رشد و رکود اقتصادی هستند. وی تأکید می‌کند دولت بازیگر اصلی است و برهم‌کنشی بین نیازهای فیزیکی و اعتباری دولت در روابطش با شهروندان وجود دارد. به‌ویژه تکامل بازارهای سرمایه به‌طور شگفت‌آوری از سیاست‌های دولت تأثیر می‌پذیرد، زیرا برای گسترش بازارها دولت محدود

[Downloaded from qjerp.ir on 2026-11-05]

به الزاماتی همچون عدم مصادره دارایی‌ها، عدم استفاده از قدرت جبری (و کاهش نااطمینانی در مبادلات) و تکامل نهادهای مالی و ایجاد بازارهای کارای سرمایه می‌باشد (مک فارلن و همکاران، ۲۰۰۳).

در یک دنیای بدون هزینه مبادله، افزایش در انباشت دانش و کاربردهایش (سرمایه انسانی و ارتقای کیفیت سرمایه فیزیکی) کلیدی جهت دستیابی به رفاه بالقوه شهروندان جامعه فراهم می‌آورد. آنچه در این تحلیل‌ها از قلم افتاده اینکه چرا رشد بالقوه تحقق نیافته است و چرا در حالی‌که اغلب فناوری انتقال می‌یابد و در دسترس همگان قرار می‌گیرد تفاوت‌های آشکاری بین کشورهای ثروتمند و فقیر وجود دارد. به عقیده نورث این شکاف در جهان واقعی با شکاف موجود در تئوری‌ها و مدلسازی اقتصاددانان موازی و همزمان شده است. به‌عنوان مثال، تئوری رشد نئوکلاسیکی و مدل‌های درون‌زا وجود ساختار انگیزشی آشکاری را فرض می‌کند که انگیزه سرمایه‌گذاری در انباشت سرمایه فیزیکی و انسانی و انباشت دانش را محقق می‌سازد. به عقیده نورث این مدل‌ها مختص اقتصادهای پیشرفته است که ساختارهای انگیزشی آنها تقریباً مشابه یکدیگر و منطبق بر فروض مدل می‌باشد و در اقتصادهای با برنامه‌ریزی متمرکز و کمتر توسعه‌یافته (با ساختارهای انگیزشی کاملاً متفاوت) مصداق چندانی ندارد. به اعتقاد وی تلاش جهت درک تجربه تاریخی گوناگون اقتصادها بدون ایجاد یک ساختار انگیزشی ناشی از نهادها (به‌عنوان عناصر ضروری) تجربه‌ای عقیم و ناموفق خواهد بود (مک فارلن همکاران، ۲۰۰۳).

ادبیات نظری تأکید دارد نهادهای حقوقی و قضایی همچون ضمانت اجرای حقوق دارایی‌ها یک کالای عمومی می‌باشد و حمایت از آن در یک محیط اجتماعی با تعاملات سیاسی، اقتصادی، اجتماعی در هم آمیخته تنها زمانی کارا خواهد بود که حکومت منافع فردی را در راستای منافع جامعه قرار دهد (گرادشتین، ۲۰۰۴)، در این صورت می‌توان انتظار داشت انگیزه سرمایه‌گذاری در تولید، تولید دانش و بازارهای مالی به امید استفاده از منافع کوتاه‌مدت و بلندمدت به‌شدت مورد استقبال بخش خصوصی واقع شود.

اساساً فعالیت‌های آلوده به فساد همراه با دیگر ساختارهای نهادی ناکارا در جامعه دست به‌دست می‌شود و کارایی سرمایه‌گذاری خصوصی و عمومی را دچار مشکل می‌نماید. در برخی کشورها با فساد گسترده برای هر واحد پولی که در کسب‌وکار سرمایه‌گذاری می‌شود مخارج قابل‌ملاحظه‌ای زمانی، پولی و غیره تلف می‌شود. بر این اساس، فساد می‌تواند به‌وسیله ایجاد موانع بر سر راه سرمایه‌گذاری‌های جدید و افزایش نااطمینانی درباره حقوق خصوصی و اجتماعی یک بار اضافی بر ثروت ملل و رشد اقتصادی تحمیل نماید. ریسک‌های سیاسی و اقتصادی یک کشور همواره به‌وسیله سرمایه‌گذاران داخلی و بین‌المللی مورد توجه

[Downloaded from qjerp.ir on 2026-11-05]

قرار می‌گیرد و به تأخیر یا لغو پروژه‌های سرمایه‌گذاری خارجی می‌انجامد. در موارد شدیدتر، فساد مزمن کشورها را به‌سوی بحران‌های عملکرد سیاسی و اقتصادی سوق می‌دهد که نتیجه آن سقوط دولت‌ها و جنگ داخلی خواهد بود (گون‌کلوز داسیلوا و همکاران، ۲۰۰۱). بنابراین، فساد نه‌تنها بهره‌وری عوامل مولد بلکه می‌تواند انباشت آنها را نیز تحت تأثیر قرار دهد. این دو مجرا ایده مناسبی فراهم می‌آورد که چگونه تخریب و تضعیف محیط کسب‌وکار بومی بر رشد اقتصادی و توسعه انسانی و اجتماعی آسیب وارد نماید.

در سال‌های اخیر مطالعات فراوانی برای آزمون آماری فرضیه‌های نهادی و عملکرد اقتصادی در سطح داخلی و بین‌المللی انجام پذیرفته است که در ادامه به اختصار به نتایج برخی از مهم‌ترین آنها اشاره می‌شود.

آرن (۲۰۰۰) و کمیجانی و سلاطین (۱۳۸۷) بیان می‌کنند نهادهای سیاسی با کارکرد مناسب بازارهای مالی، سرمایه‌گذاری و رشد اقتصادی مستمر در ارتباط هستند. مهدوی عادلی و همکاران (۱۳۸۷) اعتقاد دارند عملکرد اقتصادی کشورها در طول زمان تا حد زیادی به محیط سیاسی، نهادی و قانونی یا به‌طور کلی به کیفیت حکمرانی آنها وابسته است و حکمرانی خوب از عوامل مؤثر در جذب سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی در کشورهای با درآمد متوسط است.

مورو (۱۹۹۵)، ناک و کیفر (۱۹۹۵)، رودریک (۱۹۹۷)، ایونز و راچ (۱۹۹۹)، کمیجانی و سلاطین (۱۳۸۹)، شاه‌آبادی و پورجوان (۱۳۹۰) و بسیاری دیگر معتقدند ارتباط مثبت بین بسیاری از عناصر کیفیت حکمرانی و رشد GDP وجود دارد. هال و جونز (۱۹۹۹)، کافمن و کرای (۲۰۰۲) و عاصم‌اوغلو و همکاران (۲۰۰۴) دلالت می‌کنند حکمرانی ضعیف ویژگی کشورهایی است که دارای سطوح پایین GDP سرانه واقعی هستند. نتایج مطالعه برخی اقتصاددانان بیانگر آنست که رشد می‌تواند بدون تغییرات نهادی اصلی حاصل شود (گلیسر و همکاران، ۲۰۰۴)، اما نهادهای خوب برای نرخ‌های رشد بلندمدت باثبات (مدل‌های نئوکلاسیکی) الزامی است (رودریک، ۲۰۰۴). کافمن و کرای (۲۰۰۲) بیان می‌دارند بهبود حکمرانی اثر جنبی خودکار افزایش ثروت یک کشور نیست، اما درآمدهای بالاتر با پیامدهای نهادی و حکمرانی مطلوب‌تری همراه است. مورس (۱۹۹۹) معتقد است بهره‌وری نهایی پیشرفت‌های نهادی در رشد کشورهای در حال توسعه بزرگتر از کشورهای صنعتی است.

داکوستا (۲۰۰۷) تأکید می‌کند کشورهای منطقه کارائیب برای دستیابی به پیشرفت پایدار و همگرایی عملکرد اقتصادی به‌صورت اساسی نیازمند تقویت کردن نهادهای داخلی و ایجاد رضایت همگانی برای هدایت آینده کشور هستند. از سوی دیگر، لیبمن (۲۰۰۸) ارتباط غیرخطی بین دموکراسی و رشد اقتصادی

[Downloaded from qjerp.ir on 2026-11-05]

نواحی روسیه را تصدیق می‌کند، به‌طوری‌که در مناطق با دموکراسی سطح بالا و دیکتاتوری نسبت به مناطق میانه‌رو عملکرد اقتصادی بهتر است، همچنین وی بر وجود ارتباط متقابل و برهم‌کنش بین رژیم‌های سیاسی و اندازه بوروکراسی به‌عنوان عامل تعیین‌کننده رشد اقتصادی تأکید می‌کند. گرادشتین (۲۰۰۴) اعتقاد دارد گسترش حمایت از حقوق مالکیت به‌طور معناداری بین کشورها متفاوت است. به عقیده وی این احتمال وجود دارد که عملکرد اقتصادی و ضمانت اجرای حقوق مالکیت دارایی‌ها موجب استحکام یکدیگر شوند. بانک توسعه آسیا (۲۰۱۰ و ۲۰۰۸) پیشرفت تمام جنبه‌های حکمرانی را نکات کلیدی بالقوه استراتژی‌های توسعه برای بسیاری از کشورهای منطقه می‌داند و بر این موضوع تأکید می‌کند که تلاش‌های بیشتری برای بهبود اندازه‌گیری حکمرانی و کیفیت نهادی و تحقیقات بیشتر برای درک بهتر روابط پیچیده بین کیفیت نهادی و توسعه اقتصادی الزامی است.

آیت و همکاران (۲۰۰۸) نشان دادند در نظام‌های با کیفیت بالای نهادهای سیاسی فساد اثر منفی پایداری بر رشد دارد، اما در رژیم‌های با کیفیت نهادی سطح پایین اثری ندارد. نتایج مطالعه گون‌کلوز داسیلوا و همکاران (۲۰۰۱) دلالت دارد که درجه پایین توسعه نهادی اثر ناسازگاری بر بهره‌وری عوامل تولید و درآمد سرانه دارد. از آنجا که سطح ثروت و رشد اقتصادی به پس‌انداز داخلی، پیشرفت فناوری سریعتر و نظام آموزشی شایسته وابسته است در یک چارچوب نهادی ضعیف فساد شبیه به یک هزینه اضافی عمل می‌نماید و اثربخشی و کارایی سرمایه‌گذاری و توسعه فضای کسب‌وکار را از میان می‌برد.

۳. معرفی متغیرها و ارائه مدل

نظر به اهمیت مشارکت مستقیم نقش نهادها در تبیین عملکرد اقتصادی در این پژوهش به پیروی از روش‌شناسی کو و همکاران (۲۰۰۹) بر برهم‌کنش و جنبه‌های غیرمستقیم اثرگذاری نهادهای حکمرانی[1] بر رشد درآمد سرانه واقعی (GDPPC) می‌پردازیم. بر این اساس، الگوی مورد استفاده به‌صورت زیر خواهد بود:

۱. شاخص‌های حکمرانی منطبق بر تعریف بانک جهانی و مطالعات کافمن و همکاران (پس از سال ۱۹۹۶) است. بانک جهانی حکمرانی را آداب، رسوم و نهادهایی رسمی و غیررسمی تعریف می‌کند که رابطه بین شهروندان و دولت را در کشور به وجود آورده است و شامل فرایندی می‌شود که دولت‌ها توسط آن انتخاب، نظارت و جایگزین همدیگر می‌شوند(کافمن و همکاران ۲۰۰۶، ۲۰۰۷، ۲۰۰۸a، ۲۰۰۸b و ۲۰۰۹). با توجه به جامعیت و در دسترس بودن شاخص‌های حکمرانی، در این پژوهش از این شاخص‌ها بهره برده‌ایم.

[Downloaded from qjerp.ir on 2026-11-05]

$$GDPPC = f(Inv, Hc, Eng, Infl, GI(rde, fdi, open)) \quad (۱)$$

رابطه (۱) بیانگر آن است که درآمد سرانه واقعی به‌عنوان متغیر وابسته تابعی از برهم‌کنش شاخص حکمرانی و هزینه‌های تحقیق و توسعه داخلی(GI*rde)، برهم‌کنش شاخص حکمرانی و جریان ورودی خالص سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی(GI*fdi)، برهم‌کنش شاخص حکمرانی و درجه باز بودن اقتصاد (GI*open)، سرمایه‌گذاری در سرمایه انسانی (نرخ ثبت‌نام ناخالص در تحصیلات دانشگاهی یا Hc) و سرمایه فیزیکی خصوصی و عمومی (نسبت تشکیل سرمایه ثابت ناخالص به تولید ناخالص داخلی یا Inv)، منابع طبیعی (متغیر جایگزین موردنظر مصرف سرانه انرژی بر حسب کیلوگرم نفت خام به ازای هر نفر است. با نماد Eng) و نرخ رشد شاخص قیمت مصرف‌کننده یا نرخ تورم سالانه (Infl) است.

بنابراین برای تبیین آثار متقابل شاخص‌های نهادی و متغیرهای استاندارد بر رشد درآمد سرانه واقعی تصریح معادله به صورت یک مدل شبه‌لگاریتمی است که در زیر ارائه شده است:

$$LogGDPPC_{it} = \alpha_i + \beta_1 * (GI * rde)_{it} + \beta_2 * (GI * fdi)_{it} + \beta_3 * (GI * open)_{it} + \beta_4 * LogHc_{it} + \beta_5 * LogInv_{it} + \beta_6 * LogEng_{it} + \beta_7 * Infl_{it} + \varepsilon_{it} \quad (۲)$$

در این مطالعه شاخص کل حکمرانی (GG) به‌عنوان جایگزینی برای کیفیت عمومی نهادها و ۲ شاخص کیفیت مقررات (RQ) و تأمین قضایی (RL) که بیشتر با شاخص‌های کسب‌وکار در ارتباط هستند به‌عنوان شاخص جامع فضای کسب‌وکار مورد استفاده قرار می‌گیرد.

فعالیت‌های تحقیق و توسعه (R&D) به‌عنوان یک عامل دانش‌بنیان در فرایند رشد بر انباشت دانش می‌افزاید و از طریق نوآوری و دانش ایجاد شده در شیوه‌های تولید، تغییر کیفیت سرمایه و فناوری به‌کار گرفته شده، محصولات و مواد اولیه جدید و متنوع‌تر منجر به کاهش هزینه‌های تولید، بهبود کیفیت محصولات، کاهش قیمت کالاها، منتفع شدن مصرف‌کنندگان، افزایش توان رقابتی بنگاه‌های داخلی و رشد اقتصادی مستمر و باثبات خواهد شد، اما چه زمانی این فرایند خلق و مکانیزم اثرگذاری فعال می‌شود؟ بر اساس ادبیات نظری و مدل پیشنهادی زمانی‌که حکمرانان با هدایت صحیح سیاست‌ها (همچون قیمت‌گذاری قیمت‌های نسبی به‌نفع عوامل دانش‌بنیان) انگیزه بنگاه‌های اقتصادی را به‌سمت عوامل جدید تحریک و با ایجاد نهادهای قضایی کارا از حقوق مالکیت آنها و منافع بلندمدت و حق امتیاز معنوی نوآوران حمایت نمایند مکانیزم فوق قابل

[Downloaded from qjerp.ir on 2026-11-05]

دستیابی و کارا خواهد بود، بنابراین انتظار می‌رود اثر متقابل شاخص‌های حکمرانی و هزینه‌های R&D بر رشد درآمد واقعی (GDPPC) مثبت باشد ($\frac{\partial GDPPC}{\partial(GI*rde)} \succ 0$).

سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی علاوه بر فراهم آوردن منابع جهت تأمین مالی پروژه‌های سرمایه‌گذاری از طریق ورود دانش مدیریت سرمایه‌گذاران خارجی و فناوری‌های پیشرفته یا به عبارت دیگر، سرریز انباشت دانش بین‌المللی به کشور مقصد بر کارایی و بهره‌وری بنگاه‌های هدف می‌افزاید و دیگر بنگاه‌های اقتصادی را وادار به خلاقیت و نوآوری برای بقا در بازار می‌نماید، بنابراین عملکرد اقتصادی را تحت تأثیر قرار می‌دهد. با این وجود به‌نظر می‌رسد آنچه در تئوری‌های اقتصاد بین‌الملل چندان مورد توجه قرار نگرفته و تحت فروض خاصی به دست فراموشی سپرده شده این است که نهادهای سیاسی و اقتصادی اهمیت بسزایی در این فرایند دارند. به‌عنوان مثال، سیاست‌های نادرست اقتصادی ممکن است نوسان‌های نرخ بهره، نرخ ارز و نرخ تورم را درپی داشته باشد یا ریسک توقیف و مصادره اموال از سوی دولت‌ها، تصمیم‌های سرمایه‌گذاران داخلی و خارجی را بی‌اثر و جریان جذب FDI با هدف بومی‌سازی سرریزهای دانش مدیریت و فناوری را با موانع زیادی روبرو خواهد ساخت. انتظار می‌رود اثر متقابل شاخص‌های حکمرانی و FDI بر رشد درآمد واقعی (GDPPC) مثبت باشد ($\frac{\partial GDPPC}{\partial(GI*fdi)} \succ 0$).

بر اساس تئوری‌های تجارت بین‌الملل تجارت آزاد از طریق تقسیم کار بین‌المللی و تخصصی شدن فرایند تولید منجر به استفاده بهینه از منابع و امکانات بین کشورها شده و هزینه‌های تولید و قیمت‌های بین‌المللی را کاهش و کیفیت محصولات را افزایش می‌دهد و شرایط بهره‌مند شدن از مزایای تقسیم کار گسترده را برای کشورهای مشارکت‌کننده فراهم می‌آورد. مانند قبل در بطن این تئوری‌ها فروض محدودکننده‌ای وجود دارد که با شرایط دنیای واقعی کمتر هماهنگ است. به عنوان مثال، چنانچه دولت‌ها با سیاست‌های تجاری و تعرفه‌ای، سهمیه‌ها و محدودیت‌های وارداتی و صادراتی موانعی بر سر راه تجارت آزاد ایجاد کنند امکان استفاده از مزایای آن فراهم نخواهد شد و تخصیص بهینه منابع را در کشور به‌همراه نخواهد داشت، بنابراین انتظار می‌رود اثر متقابل شاخص‌های حکمرانی و درجه باز بودن اقتصاد ($\text{OPEN}=\frac{EX+IN}{GDP}$) بر رشد درآمد واقعی (GDPPC) مثبت باشد ($\frac{\partial GDPPC}{\partial(GI*open)} \succ 0$).

سرمایه انسانی نتیجه سرمایه‌گذاری بسیار زیاد در هزینه‌های آموزشی (اعم از خصوصی و عمومی) و کاربردی است و به‌عنوان یک عامل دانش‌بنیان در مدل‌های رشد درون‌زا به‌ویژه مدل تعمیم‌یافته سولو با

[Downloaded from qjerp.ir on 2026-11-05]

سرمایه انسانی مورد تأکید قرار گرفته است. بر اساس نظریه رشد درون‌زا پیشرفت فنی به‌صورت برون‌زا و طی زمان ایجاد نمی‌شود بلکه تجربه، مهارت و آموزش‌های تخصصی به نیروی کار بر انباشت سرمایه انسانی می‌افزاید و این تخصص و مهارت بیشتر است که نرخ رشد پیشرفت فنی، بهره‌وری کل عوامل و رشد محصول را تعیین می‌نمایند. به‌دلیل اینکه در ۲ دهه اخیر تشکیل سرمایه انسانی در بخش خصوصی (خانواده-ها و بنگاه‌ها) کشورهای در حال توسعه و استفاده از منافع بلندمدت آن جایگاه ویژه‌ای یافته است از ملاحظه اثر متقابل شاخص‌های حکمرانی صرف‌نظر می‌شود[۱]. انتظار تئوریک آن است که اثر مستقیم سرمایه انسانی بر رشد درآمد مثبت باشد $(\frac{\partial GDPPC}{\partial Hc} \succ 0)$.

سرمایه‌گذاری در دارایی‌های فیزیکی نیز عاملی اساسی جهت دستیابی به رشد مستمر است که در مدل‌های اولیه رشد بر آن تأکید شده است. تئوری‌های اقتصادی مربوط به مصرف و سرمایه‌گذاری دلالت می‌کنند کاهش مصرف و افزایش پس‌انداز در دوره جاری با هدف سرمایه‌گذاری بیشتر در کسب‌وکار موجب می‌شود که در دوره‌های آتی درآمدهای بالاتر و به‌تبع آن مصرف و رفاه بیشتری به‌دست آید، بنابراین انتظار می‌رود اثر سرمایه‌گذاری بر رشد درآمد واقعی (GDPPC) مثبت باشد $(\frac{\partial GDPPC}{\partial Inv} \succ 0)$.

منابع طبیعی نیز به‌عنوان یک عامل فیزیکی در فرایند تولید مورد توجه قرار می‌گیرد و هرچند همچنان نقش مهمی در رشد اقتصادی ایفا می‌کند، اما با توجه به حضور پررنگ و بازدهی‌های فزاینده عوامل دانش‌بنیان از اهمیت آن کاسته شده است. با این حال، منابع و مواهب طبیعی همچون نفت و گاز، معادن کانی و زمین‌های حاصل‌خیز در کاهش هزینه‌های مواد اولیه و رشد محصول مؤثر و مورد تأکید اقتصاددانان است (به‌عنوان مثال ریکاردو). بر این اساس، انتظار می‌رود رابطه منابع طبیعی (مصرف سرانه نفت‌خام) و رشد درآمد واقعی (GDPPC) مثبت باشد $(\frac{\partial GDPPC}{\partial Eng} \succ 0)$.

سرانجام نرخ رشد شاخص قیمت مصرف‌کننده یا نرخ تورم سالانه نشان‌دهنده ثبات اقتصاد کلان است. نوسان‌ها در نرخ سود بانکی، نرخ ارز، نرخ تورم یا به‌طور کلی نوسان‌ها در قیمت‌های نسبی منجر به بی‌ثباتی اقتصاد کلان می‌شود و علاوه بر اثر منفی بر توسعه فضای کسب‌و کار (ناشی از افزایش نااطمینانی)، کاهش قدرت رقابتی بنگاه‌های داخلی در عرصه بین‌المللی (ناشی از تغییر در قیمت کالاهای داخلی نسبت به مشابه خارجی) و افت

۱. هر چند که نمی‌توان به طور کامل از تأثیر هدایت‌گری سیاست‌های دولت در نیل به انباشت بیشتر سرمایه انسانی از سوی بخش خصوصی و عمومی چشم پوشید.

[Downloaded from qjerp.ir on 2026-11-05]

رشد درآمد واقعی را در پی خواهد داشت. از سوی دیگر، برخی اعتقاد دارند نرخ تورم ملایم (به‌صورت تجربی حدود ۳-۲ درصد) انگیزه سرمایه‌گذاری در تولید کالا و خدمات را به امید کسب سود ناشی از تفاوت قیمت‌های سالانه در صاحبان کسب‌وکار تقویت و زمینه رشد محصولات را فراهم می‌آورد، بنابراین اثر کلی نرخ تورم بر رشد درآمد واقعی (GDPPC) کاملاً مشخص نیست $(\frac{\partial GDPPC}{\partial Infl} \prec 0)$

در پایان یادآور می‌شویم از آنجا که پژوهش حاضر یک مطالعه بین کشوری است روش برآورد پانل دیتا مناسب‌ترین رویکرد است، بنابراین علامت‌های زیرنویس i و t در رابطه (۲) به‌ترتیب بیانگر تعداد کشورها (i=1,2,3,…,12) و دوره‌های زمانی (۲۰۱۲-۱۹۹۶) است شایان ذکر است. مأخذ آماری متغیرهای مستقل و متغیر وابسته سایت بانک جهانی (۲۰۱۴) است.

۴. برآورد و تجزیه‌وتحلیل نتایج

در ابتدای این بخش پیش از پرداختن به آزمون‌های انتخاب رهیافت مناسب و برآورد تجربی مدل‌ها، وضعیت مانایی متغیرها و درجه انباشتگی آنها بر پایه دو آزمون متعارفیم، پسران و شین (IPS)[1] و لوین، لین و چو (LLC)[2] مورد آزمون قرار خواهد گرفت. واضح است در صورتی‌که بر پایه آزمون‌های فوق متغیرها ریشه واحد داشته باشند و نیاز به یک بار تفاضل‌گیری باشد درجه انباشتگی یک ((I(1)) است. اگر بر اساس آزمون‌های فوق متغیر مانا باشند درجه انباشتگی آن متغیر صفر ((I(0)) خواهد بود. نتایج در جدول (۱) گزارش شده است.

1. Im-Pesaran -Shin Panel unit root test
2. Levin–Lin–Chu Panel unit root test

[Downloaded from qjerp.ir on 2026-11-05]

جدول ۱. نتایج آزمون‌های ریشه واحد

	متغیرها												
آزمون	GG*rde	GG*fdi	GG*open	Hc	Inv	Eng	Infl	RQ*rde	RQ*fdi	RQ*open	RL*rde	RL*fdi	RL*open
آماره IPS	-۱/۸۶	-۲/۲۹	-۰/۸۶	/۹۲-۱	/۱۴-۲	/۱۰-۲	/۸۳-۱	-۱/۷۰	-۳/۳۹	۰/۶۶-	-۱/۹۸	-۳/۱۴	-۳/۱۰
سطح معناداری	۰/۱۳	۰/۰۱	۰/۹۸	/۱۱۰	/۰۳۰	/۰۶۰	/۲۰۰	۰/۱	۰/۰۴	۰/۸۵	۰/۰۹	۰/۰۴	۰/۰۵
نتیجه آزمون	I(1)	I(0)	I(1)	I(1)	I(0)	I(1)	I(1)	I(1)	I(0)	I(1)	I(1)	I(0)	I(1)
آماره LLC	-۴/۳۳	-۶/۸۱	-۵/۳۵	/۶۰-۴	/۵۶-۶	/۱۶-۶	/۳۶-۶	-۵/۳۲	-۷/۹۸	۶/۳۳-	-۵/۷	-۷/۵۶	-۸/۱۶
سطح معناداری	۰/۰۶	۰/۰۰	۰/۰۰	/۰۱۰	/۰۰۰	/۰۰۰	/۰۰۰	۰/۰۵	۰/۰۰	۰/۰۰	۰/۰۳	۰/۰۰	۰/۰۰
نتیجه آزمون	I(1)	I(0)	I(0)	I(0)	I(0)	I(0)	I(0)	I(1)	I(0)	I(0)	I(0)	I(0)	I(0)

مأخذ: نتایج تحقیق.

از آنجاکه برخی متغیرها دارای درجه انباشتگی یک هستند برای حصول اطمینان از وجود رابطه بین رشد درآمد سرانه با متغیرهای توضیحی شامل برهم‌کنش نهادها با R&D، FDI و OPEN از آزمون پدرونی[1] جهت بررسی همجمعی در داده‌های تابلویی استفاده می‌شود. نتایج در جداول (۴)-(۲) گزارش شده است.

جدول ۲. نتایج آزمون همجمعی پدرونی در مدل اول

آماره	Z_v	Z_ρ	Z_{pp}	Z_t
تابلویی	-۱/۰۵	۲/۲۳	-۳/۱۷	-۱/۸۶
سطح معناداری	۰/۸۵	۰/۹۸	۰/۰۰	۰/۰۵
گروهی	-۲/۷	۳/۲۵	-۶/۹۰	-۱/۹۴
سطح معناداری	۰/۷۹	۰/۹۹	۰/۰۰	۰/۰۳

مأخذ: نتایج تحقیق.

1. Pedroni Panel Co-integration Test

[Downloaded from qjerp.ir on 2026-11-05]

جدول ۳. نتایج آزمون همجمعی پدرونی در مدل دوم

آماره	Z_v	Z_ρ	Z_{pp}	Z_t
تابلویی	-۲/۱۵	۳/۴	-۴/۲۸	-۳/۷۷
سطح معناداری	۰/۷	۰/۸۸	۰/۰۲	۰/۰۳
گروهی	-۴/۴	۴/۱	-۶/۴۴	-۲/۸۸
سطح معناداری	۰/۸۳	۰/۹۵	۰/۰۴	۰/۰۵

مأخذ: نتایج تحقیق.

جدول ۴. نتایج آزمون همجمعی پدرونی در مدل سوم

آماره	Z_v	Z_ρ	Z_{pp}	Z_t
تابلویی	-۰/۹۵	۴/۴۵	-۲/۸۸	-۰/۸۶
سطح معناداری	۰/۸۸	۰/۹۱	۰/۰۳	۰/۰۵
گروهی	-۲/۳	۳/۲۲	-۵/۹۰	-۲/۱۴
سطح معناداری	۰/۶۳	۰/۸۲	۰/۰۳	۰/۰۷

مأخذ: نتایج تحقیق.

از آنجا که در آزمون پدرونی توان آزمون آماره Z_t از بقیه بیشتر است با استناد به مقدار و سطح معناداری این آماره می‌توان نتیجه گرفت رابطه بلندمدت بین درآمد سرانه کشورهای برگزیده با متغیرهای لحاظ‌شده در مدل‌ها مورد تأیید قرار می‌گیرد.

نکته بسیار اساسی در مطالعات اقتصاد نهادگرایی به‌ویژه تبیین رابطه حکمرانی و عملکرد اقتصادی این است که آیا نهادها به‌عنوان متغیرهایی برون‌زا مورد توجه قرار گیرد یا اینکه با توجه به آثار بازخوردی نهادها و رشد بر یکدیگر نهادها متغیرهایی درون‌زا می‌باشند؟ (بادون، ۲۰۰۵، عاصم‌اوغلو و همکاران، ۲۰۰۲، کافمن و کرای، ۲۰۰۲ و هال و جونز، ۱۹۹۹)؟ چنانچه شاخص‌های نهادی متغیرهای برون‌زا در نظر گرفته شوند استفاده از روش حداقل مربعات معمولی یا تعمیم‌یافته (OLS/GLS) در برآورد مناسب و ضرایب برآوردی کارا بدون تورش و سازگار (اصطلاحاً BLUE) خواهند بود. عاصم‌اوغلو و همکاران (۲۰۰۲) اعتقاد دارند این رویکرد محافظه‌کارانه و با رعایت جانب احتیاط است، اما از آنجا که نهادها و رشد بر هم اثر دارند و از یکدیگر تأثیر می‌پذیرند بین آنها اثر بازخوردی وجود دارد، به‌طوری‌که کافمن و کرای، عجم‌اوغلو و همکاران و هال و جونز امکان وجود رابطه تبعی معکوس را رد نمی‌کنند و نتیجه می‌گیرند در درآمدهای

[Downloaded from qjerp.ir on 2026-11-05]

بالاتر نهادها (حکمرانی) کیفیت بهتری خواهند داشت و مطلوب‌تر عمل می‌کنند، بنابراین می‌توان نهادها و حکمرانی را متغیری درون‌زا انگاشت. در این شرایط بین متغیرهای توضیحی و پسماندها همبستگی به‌وجود می‌آید که نتایج حاصل از برازش OLS را ناکارا می‌سازد. برای حل این مشکل روش متغیرهای ابزاری (IV) و استفاده از حداقل مربعات دومرحله‌ای (TSLS) روش برآورد مناسب است (جانستون و دیناردو، ۱۹۹۷ و گجراتی، ۲۰۱۰).

به‌منظور انتخاب روش TSLS می‌بایست نسبت به درون‌زا و برون‌زا بودن شاخص‌های حکمرانی موجود در مدل اطمینان حاصل شود. در صورتی‌که متغیرهای حکمرانی به‌عنوان متغیرهای درون‌زا در نظر گرفته شوند، روش مناسب برای تخمین مدل روش 2SLS خواهد بود. در این خصوص از آزمون درون‌زایی بلوکی استفاده می‌شود. در واقع، آزمون فوق نشان می‌دهد آیا مقادیر حال متغیر لگاریتم درآمد واقعی سرانه بر متغیرهای حکمرانی تأثیر دارد یا خیر؟ آماره آزمون نسبت راستنمایی و دارای توزیع کای دو با درجه آزادی 2p است. نتایج جدول (۵) درون‌زایی متغیرهای برهم‌کنش بر رشد درآمد را مورد تأیید قرار می‌دهد.

جدول ۵. آزمون درون‌زایی بلوکی بین متغیرهای مستقل و وابسته

متغیر مستقل	متغیر وابسته	آماره کای دو	سطح احتمال
GG*rde	GDPPC	۷/۲۳	۰/۰۱
GG*fdi	GDPPC	۸/۴۳	۰/۰۴
GG*open	GDPPC	۴/۰۹	۰/۰۵
GDPPC	GG*rde	۹/۱۳	۰/۰۰
GDPPC	GG*fdi	۸/۸	۰/۰۱
GDPPC	GG*open	۶/۷۷	۰/۰۳

مأخذ: نتایج تحقیق.

در روش TSLS ابزارهای مورد استفاده به‌گونه‌ای انتخاب می‌شوند که با متغیرهای توضیحی مدل همبستگی بالا و با پسماندها همبسته نباشند (جانستون و دیناردو، ۱۹۹۷ و گجراتی، ۲۰۱۰). نظر به اینکه متغیرهای نهادی با شاخص‌های فرهنگی و اجتماعی در جوامع به‌شدت در ارتباط هستند و از سوی دیگر، پایگاه‌های اطلاعاتی و آماری کارامدی از سوی دانشمندان و سازمان‌های مرتبط تعبیه نشده است، در نتیجه در این موارد مناسب‌ترین ابزارها استفاده از مقادیر با وقفه متغیرهای توضیحی مدل خواهد بود.

[Downloaded from qjerp.ir on 2026-11-05]

همانگونه که پیش‌تر نیز اشاره شد پژوهش حاضر یک مطالعه بین کشوری محدود به ۱۲ کشور رو به توسعه آسیا و منطقه خاورمیانه (با تشابهات فرهنگی، اجتماعی و سطوح نهادی) طی دوره زمانی (۲۰۱۲-۱۹۹۶) است، بنابراین روش پانل دیتا که مقاطع و دروه‌های زمانی را در هم می‌آمیزد روش مطلوبی است. به‌نظر می‌رسد نتایج حاصل از برآورد اقتصادسنجی مطالعه می‌تواند حائز نکات ارزنده‌ای برای سیاستگذاران و برنامه‌ریزان توسعه اقتصادی کشورهای مورد مطالعه باشد.

پس از اطمینان از درون‌زا بودن متغیرهای حکمرانی می‌بایست نسبت به انتخاب مدل صحیح از لحاظ لگاریتمی و نیمه‌لگاریتمی اطمینان حاصل شود. در این حالت با استفاده از معیارهای اطلاعات (شوارتز، آکائیک و حانن کوئین) انتخاب مدل در حالت نیمه‌لگاریتمی مورد تأیید قرار می‌گیرد. پس از حصول اطمینان از وجود رابطه بلندمدت بین متغیر وابسته و متغیرهای توضیحی در ادامه به برآورد ۳ مدل ارائه‌شده می‌پردازیم.

در جدول (۶) نتایج برآورد روابط اقتصادسنجی معادله (۲) ارائه شده است که در آن به‌جای شاخص نماینده GI از شاخص کل حکمرانی (GG)، شاخص کیفیت مقررات (RQ) و تأمین قضایی (RL) استفاده شده است.

نتایج اقتصادسنجی در جدول (۶) بیانگر آنست که ضرایب برآوردی در مدل‌های (۱)، (۲) و (۳) مورد انتظار و به لحاظ تئوریک قابل قبول است، هرچند برخی از آنها به‌لحاظ آماری از معناداری چندانی برخوردار نمی‌باشد. برجسته‌ترین نکات تحلیلی در جدول (۶) به تفسیر نتایج برهم‌کنش‌ها باز می‌گردد که در ادامه بیان می‌شود.

همانگونه که انتظار می‌رفت کیفیت نهادی (در این مطالعه شاخص کل حکمرانی به‌عنوان کیفیت عمومی نهادها و شاخص تنظیم‌گری مقررات و شاخص تأمین قضایی به‌عنوان شاخص‌های کسب‌وکار به‌کار می‌روند) از مجرای عوامل سمت عرضه اقتصاد همچون هزینه‌های تحقیقاتی و انباشت دانش، سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی و شاخص درجه باز بودن اقتصاد منجر به تقویت بنیان‌های علمی و استفاده بهینه از ظرفیت‌های تولیدی داخلی و اکتسابی شده و به این ترتیب افزایش درآمد واقعی و رفاه عمومی را به‌همراه خواهد داشت. به‌عنوان مثال، آگاهی و مشارکت مردم و رسانه‌ها در نقد و بررسی برنامه‌ها و پاسخگویی دولت در برابر اقداماتش زمینه‌های افزایش کارایی در انتخاب و اجرای پروژه‌های سرمایه‌گذاری که منافع همگانی و بلندمدت آن بیشتر و در پویا نگهداشتن اقتصاد ملی و رقابتی‌تر شدن بنگاه‌های اقتصادی مؤثرتر است را به‌وجود خواهد آورد و موجب افزایش سطح درآمد واقعی جامعه خواهد شد.

[Downloaded from qjerp.ir on 2026-11-05]

نکته جالب‌توجه در هر ۳ مدل وجود همبستگی مثبت و معنادار بین اثر متقابل هر ۳ شاخص نهادی و FDI و رشد درآمد واقعی (LogGDPPC) است. از سوی دیگر، برخی اقتصاددانان اعتقاد دارند وضع نهادهای حکمرانی و سیاسی، مقررات جاری بر کشور و محیط کسب‌وکار بنگاه‌های اقتصادی از عوامل مؤثر در جذب سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی است (مهدوی‌عادلی و همکاران، ۱۳۸۷). در هر صورت، سرمایه‌گذاران خارجی به امید بیشینه‌سازی منافع و تنوع‌پذیری پرتفوی خود در کنار عواملی همچون ریسک نرخ بهره، نرخ ارز و نرخ تورم و ریسک بازار[1] موقعیت نهادی کشورهای مقصد (شامل ثبات سیاسی، ریسک توقیف و مصادره اموال، بار مالی مقررات، ثبات سیاست‌های اقتصاد کلان و نوسان‌های قیمت‌های نسبی، مدت زمان آغاز کسب‌وکار، وضعیت حقوق مالکیت معنوی و حق امتیازهای انحصاری ابداعات و بسیاری موارد دیگر) را به دقت زیرنظر دارند و حکمرانان نقش بسیار مهمی در جذاب نمودن سرمایه‌گذاری در کشور برای آنان دارند. جذب FDI و کسب منافع ناشی از آن موجب افزایش اشتغال و پروژه‌های سرمایه‌گذاری و توسعه محیط کسب‌وکار، انتقال دانش و تخصص به دیگر بنگاه‌های داخلی و افزایش کارایی و بهره‌وری عوامل و افزایش درآمد واقعی جامعه می‌شود.

انتظار می‌رود همزمان با بهبود کیفیت نهادها و شاخص‌های حکمرانی (به‌ویژه تنظیم‌گری مقررات) تخصیص مناسب‌تری از منابع در سطح محلی، ملی، منطقه‌ای و بین‌المللی صورت گیرد. حکمرانان با تعامل سازنده مبتنی بر شناخت و دانش و اولویت قرار دادن منافع ملی، زمینه‌های پویایی اقتصاد ملی، مشارکت در تقسیم کار بین‌المللی، تخصصی شدن فرایند تولید بنگاه‌های اقتصادی، استفاده از مزیت‌های نسبی، نوآوری و ابداع در تولید محصولات، رقابت گسترده‌تر در اقتصاد جهانی، کاهش هزینه‌های تولید و قیمت‌ها، افزایش کیفیت محصولات و بهره‌مند شدن مصرف‌کنندگان و تولیدکنندگان و رفاه همگانی را فراهم می‌آورند. با این وجود اثر متقابل نهادها و درجه باز بودن بر رشد درآمد کشورهای مورد مطالعه ضعیف و تا حدودی مبهم است. با توجه به اینکه تقریباً سهم عمده مشارکت جهانی این کشورها محدود به واردات می‌شود واز سوی دیگر، صادرات آنها بیشتر کالاهای کشاورزی، سنتی یا با فناوری پایین است، به‌نظر می‌رسد علی‌رغم دارا بودن دانش و سرمایه-های انسانی متخصص، عدم وجود یک فرایند کارای مهندسی مجدد، جذب و بومی‌سازی محصولات،

۱. شایان ذکر است خود نوسانات نرخ بهره، نرخ ارز، نرخ تورم و تا حدودی ریسک بازار به‌شدت متأثر از سیاست‌های دولت و کیفیت نهادهای رسمی است. بنابراین نتایج مطالعه مهدوی‌عادلی و همکاران نیز به خوبی گویاست و اهمیت نهادها در جذب FDI و به‌تبع آن رشد مستمر و باثبات را مورد تأیید قرار می‌دهد.

[Downloaded from qjerp.ir on 2026-11-05]

تجهیزات و ماشین‌آلات، فناوری‌های نوین و از همه مهم‌تر دانش سرریز شده، کمک چندانی به رقابتی‌تر شدن بنگاه‌های اقتصادی نکرده و متناسب با چشم‌انداز نوین اقتصاد جهانی منجر به بهبود سطح رفاه و درآمد واقعی در این کشورها نشده است.

تخصص ناشی از آموزش نقش اساسی در پرورش و خلق ایده‌ها، استفاده درست از منابع و امکانات، طراحی و ایجاد فناوری‌های نوین، جذب و بومی‌سازی فناوری سرریز شده ناشی از مشارکت در اقتصاد جهانی و بهبود پیشرفت فنی فرایند تولید و بهره‌وری کل عوامل دارد. بر اساس مدل‌های رشد درون‌زا نرخ رشد پیشرفت فنی از عوامل تعیین‌کننده رشد محصول و درآمد است. نتایج برآورد اقتصادسنجی در جدول (۶) بیانگر آن است که سرمایه انسانی (نرخ ثبت‌نام ناخالص دانشگاهی) اثر مثبت و به لحاظ آماری معناداری بر رشد درآمد سرانه در کشورهای مورد بررسی دارد. به عبارت دیگر، یک درصد افزایش در نرخ ثبت‌نام تحصیلات دانشگاهی، در حدود ۰/۳۴-۰/۳۳ درصد رشد درآمد را افزایش می‌دهد، بنابراین تخصص ناشی از تحصیلات آکادمیک فرای افزایش آگاهی عمومی و حرفه‌ای شهروندان و شاغلان، سطح درآمد، توسعه‌یافتگی و رفاه جامعه را نیز ارتقاء می‌بخشد.

بر اساس تئوری‌های سرمایه‌گذاری در هر دوره زمانی بخشی از موجودی سرمایه مستهلک می‌گردد، بنابراین برای عدم کاهش و حفظ سطح موجودی سرمایه در همان سطح اولیه مجبور به مقداری سرمایه‌گذاری جایگزینی هستیم. از سوی دیگر، افزایش سرمایه‌گذاری بیش از سطح سرمایه‌گذاری جایگزینی، سرمایه‌گذاری خالص نامیده می‌شود و منجر به افزایش سطح موجودی سرمایه می‌شود. با فرض ثابت بودن سایر شرایط افزایش موجودی سرمایه سطح سرمایه سرانه به ازای هر کارگر و بهره‌وری نهایی کارگران را افزایش داده و بهبود درآمد واقعی را به‌همراه دارد. نتایج جدول (۶) بیانگر آن است که رابطه بین سرمایه‌گذاری در کسب‌وکار و رشد درآمد واقعی مثبت و معنادار است و ۱۰ درصد تغییر در تشکیل سرمایه ثابت ناخالص منجر به ۳ تا ۲ درصد تغییر در درآمد واقعی می‌گردد. با فرض تعادل در بازارهای مالی می‌توان پذیرفت چشم‌پوشی از مصرف امروز و پس‌انداز بیشتر درآمدهای جامعه و سرمایه‌گذاری به امید کسب بازده بالاتر در آینده افزایش درآمدهای واقعی آتی را در پی خواهد داشت.

انتظار می‌رود کشورهایی که دارای منابع طبیعی از جمله زمین‌های حاصلخیز و مرغوب، آب و هوای معتدل، منابع نفت و گاز و کانی، نیروی کار فراوان و ارزان و غیره هستند در تأمین و تدارک مقدمات تولید با مشکلات کمتری مواجه باشند. در این مطالعه انرژی سرانه (بر حسب کیلوگرم نفت خام) به‌عنوان یک

[Downloaded from qjerp.ir on 2026-11-05]

جایگزین از منابع طبیعی مورد استفاده قرار گرفته و همانگونه که در جدول (۶) مشاهده می‌شود اثر مثبت و معناداری بر رشد درآمد واقعی نمونه مورد بررسی دارد. در واقع یک درصد تغییر در منابع طبیعی منجر به حدود ۰/۸۶-۰/۶۳ درصد تغییر همسو در رشد درآمد می‌شود.

در نهایت، ثبات اقتصاد کلان و فضای کسب‌وکار اهمیت بسزایی در آغاز به کار و تداوم حرفه و مشاغل دارد. چنانچه بی‌ثباتی اقتصاد کلان به‌وضوح از سوی فعالان اقتصادی درک شود، نااطمینانی آغاز کسب‌وکار به شدت افزایش می‌یابد و سرمایه‌گذاران را از مشارکت در فعالیت‌های اقتصادی و سرمایه‌گذاری در کسب‌وکار باز می‌دارد. بر این اساس، انتظار می‌رود نرخ تورم افسارگسیخته آثار مطلوبی بر رشد مستمر و باثبات اقتصاد نداشته باشد. به‌طور کلی، یافته‌های جدول (۶) در هر ۳ مدل بیانگر آن است اثر نرخ تورم بر رشد درآمد منفی و بی‌معنا و یا به عبارت دقیق‌تر مبهم است. همانگونه که پیشتر اشاره شد برخی اقتصادانان اعتقاد دارند نرخ تورم اندک حدود ۳ تا ۲ درصد، انگیزه کسب‌وکار و تولید محصولات را در بین تولیدکنندگان برمی‌انگیزد و زمینه سرمایه‌گذاری در کسب‌وکار و رشد اقتصادی را بهبود می‌بخشد. با این وجود، از آنجا که طی دوره مورد بررسی (۲۰۱۲- ۱۹۹۶) اغلب کشورهای نمونه با یک تورم تقریباً بالا درگیرند اثر این متغیر بر رشد درآمد منفی و بی‌معنا است. به عبارت دیگر، بی‌ثباتی اقتصاد کلان در این کشورها اثرات مطلوبی بر رشد درآمد آنها نداشته است.

در پایان بیان این نکته شایسته است که عرض از مبدأ در مدل‌های اقتصادسنجی اثر عواملی که بر متغیر وابسته اثرگذار هستند، اما در مدل لحاظ نشده‌اند را نشان می‌دهد. بر این اساس، عرض از مبدأ مدل‌های ارائه شده نشان‌دهنده آن است که تقریباً تمام عوامل موثر بر رشد درآمد سرانه واقعی به‌درستی شناسایی و در مدل‌ها گنجانده شده است، زیرا این متغیرها به‌لحاظ آماری بی‌معنا شده‌اند.

[Downloaded from qjerp.ir on 2026-11-05]

جدول ۶. نتایج برآورد معادله‌های اقتصادسنجی تبیین عوامل نهادی بر رشد درآمد واقعی

متغیر وابسته: لگاریتم درآمد سرانه واقعی روش برآورد: حداقل مربعات دومرحله‌ای پانل					
مدل ۱		مدل ۲		مدل ۳	
متغیرهای مستقل	ضرایب (t statistic)	متغیرهای مستقل	ضرایب (t statistic)	متغیرهای مستقل	ضرایب (t statistic)
*GG*rde*	۰/۶۵* (۱/۵۷)	*RQ*rde*	۰/۸ (۱/۴)	*RL*rde*	۰/۷* (۱/۵۸)
*GG*fdi*	۰/۰۴** (۲/۴)	*RQ*fdi*	۰/۰۳۹*** (۳/۲)	*RL*fdi*	۰/۰۳۲*** (۲/۷۵)
*GG*open*	۰/۰۲ (۱/۳۶)	*RQ*open*	۰/۰۰۳* (۱/۸)	*RL*open*	−۰/۰۰۰۸ (−۰/۰۱)
LogHc	۰/۳۵** (۲)		۰/۳۳** (۲/۱۶)		۰/۳۵** (۲/۱۲)
LogInv	۰/۲۷ (۱/۴۹)		۰/۲* (۱/۶۲)		۰/۳۱** (۲/۱۴)
LogEng	۰/۸۶۴*** (۴/۲)		۰/۶۳*** (۲/۹)		۰/۸*** (۳/۷)
Infl	−۰/۰۰۱ (−۰/۰۹)		−۰/۰۰۲* (−۱/۸۶)		−۰/۰۰۱ (−۰/۶۸)
c	−۰/۴۸ (−۰/۵)		۱/۲۱ (۱/۱)		−۰/۵ (−۰/۶۷)
ضریب تعیین تعدیل شده ($\overline{R^2}$)	۰/۹۶		۰/۹۶		۰/۹۷
انحراف معیار رگرسیون	۰/۱۶۵		۰/۱۶۰		۰/۱۶۷
آماره F [Prob.]	۲۴۵/۸ [۰/۰۰]		۲۷۷/۴ [۰/۰۰]		۲۲۸/۷ [۰/۰۱]
آزمون هاسمن: آماره کای دو [Prob.]	۰/۰۲ [۰/۹۷۱]		۰/۰۵ [۰/۹۴۸]		۰/۰۳ [۰/۹۶۴]
تعداد کل مشاهدات	۱۹۲		۱۹۲		۱۹۲

- اعداد داخل پرانتز در پایین هریک از ضرایب برآوردی t statistic را نشان می‌دهد.

- نشانه‌های ***، ** و * در بالای هر یک از ضرایب به‌ترتیب بیانگر معناداری آماری در سطح ۱، ۵ و ۱۰ درصد است.

- محدودیت داده‌ها برای شاخص‌های اجتماعی و فرهنگی موجب می‌شود تا از مقادیر باوقفه متغیرهای توضیحی مدل به‌عنوان متغیرهای ابزار استفاده شود.

مأخذ: نتایج تحقیق.

[Downloaded from qjerp.ir on 2026-11-05]

ضریب تعیین تعدیل‌شده ($\overline{R^2}$) نشان‌دهنده آن است که متغیرهای توضیحی حدود ۰/۹۶ تغییرات متغیر وابسته را توضیح می‌دهد و بیانگر برازش بالای مدل‌ها است. آماره F نیز معناداری کلی رگرسیون را مورد آزمون قرار می‌دهد و همانگونه که از روی احتمال این آماره (.Prob) مشاهده می‌شود، معناداری کلی هر ۳ مدل پذیرفته می‌شود.

آزمون‌های تشخیصی و فروض کلاسیک رگرسیون همچون ارزیابی خودهمبستگی سریالی، ناهمسانی واریانس و همخطی بین متغیرهای توضیحی نشان‌دهنده آن است که فرضیه‌های صفر به‌ترتیب مبنی بر عدم وجود خودهمبستگی، عدم ناهمسانی واریانس و عدم وجود همخطی پذیرفته می‌شود، بنابراین ضرایب برآورد شده از قابلیت اتکای بالایی برخوردار می‌باشد.

آماره آزمون هاسمن برای تعیین آثار تصادفی و آثار ثابت در مدل‌های پانل دیتا مورد استفاده قرار می‌گیرد. این آماره دارای توزیع کای‌دو (Chi-Square) است. فرضیه صفر در این آزمون آن است که بین متغیرهای توضیحی و جملات اخلال در مدل برازش‌شده هیچگونه ارتباطی وجود ندارد. بر این اساس، با توجه به احتمال (.Prob) آزمون هاسمن (جدول ۱) فرضیه صفر با اطمینان بالایی رد می‌شود و بین متغیرهای توضیحی و جملات اخلال همبستگی وجود دارد. این موضوع نیز بیانگر آن است که می‌بایست ناهمگنی‌های مقطعی و آثار ثابت را در مدل لحاظ نمود و ناهمگنی دوره‌های زمانی و مقاطع رد می‌شود.

۵. نتیجه‌گیری و پیشنهادات

مدل تنظیم‌گری دولت بر این اساس استوار است که در بازارهای رقابتی و فضای کسب‌وکار توسعه‌یافته فعالیت‌های مولد باید به بخش خصوصی انتقال یابد، اما زمانی‌که شکست‌های بازاری وجود دارد تنظیم‌گری دولت اهمیت خاصی می‌یابد. ایجاد ساختارهای سیاستگذاری و تنظیم‌گری مؤثر و توسعه ظرفیت‌های کسب‌وکار با سرمایه‌گذاری و رشد اقتصادی کشورهای در حال توسعه در ارتباط است. آنچه بیش از همه مورد توجه اقتصاددانان قرار گرفته این است که اثربخشی نهادها از مجاری گوناگون (به‌ویژه عوامل مبتنی بر دانش) عامل تعیین‌کننده چگونگی عملکرد بازارها و دستیابی به رشد اقتصادی مستمر و باثبات در کشورهای در حال توسعه است. بر این اساس و به پیروی از روش‌شناسی مطالعه کو و همکاران (۲۰۰۹) هدف پژوهش حاضر تبیین رابطه اثرات متقابل بین شاخص‌های نهادی و متغیرهای استاندارد اقتصادی بر رشد درآمد سرانه کشورهای برگزیده آسیا و خاورمیانه طی دوره (۲۰۱۲-۱۹۹۶) به روش پانل دیتا است. در این مطالعه از

[Downloaded from qjerp.ir on 2026-11-05]

شاخص کل حکمرانی (مطابق با تعریف بانک جهانی به‌صورت میانگین ۶ شاخص *شفافیت و پاسخگویی*، ثبات سیاسی، اثربخشی دولت، کیفیت تنظیمی مقررات، تأمین قضایی و کنترل فساد) به‌عنوان جایگزینی برای کیفیت عمومی نهادها و از ۲ شاخص کیفیت تنظیم‌گری مقررات و تأمین قضایی به‌عنوان شاخص‌های فضای کسب‌وکار استفاده می‌شود.

از آنجا که برخی اقتصاددانان اعتقاد دارند شاخص‌های حکمرانی (نهادی) متغیرهای درون‌زا هستند و وضعیت آن تا حد زیادی وابسته به سطح درآمد و دیگر مشخصه‌های بین‌کشوری است، امکان به‌وجود آمدن خودهمبستگی بین پسماندها و متغیرهای توضیحی مدل دور از انتظار نیست. در چنین شرایطی نتایج روش حداقل مربعات معمولی (OLS) کارا نیست، و در نتیجه برای دستیابی به برآوردهایی کارا و سازگار روش متغیرهای ابزاری (IV) و حداقل مربعات دومرحله‌ای (TSLS) پیشنهاد می‌شود.

یافته‌های اقتصادسنجی پژوهش حاضر گواه آن است که کیفیت عمومی نهادها و شاخص‌های توسعه کسب‌وکار از مجاری گوناگون همچون هزینه‌های تحقیق و توسعه داخلی، جذب سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی و درجه باز بودن اقتصاد رشد درآمد سرانه را بین کشورهای مورد مطالعه تحت تأثیر قرار می‌دهد. به عبارت دیگر انتظار می‌رود بهبود کیفیت نهادها در جامعه (از طریق هدایت صحیح منابع، تعیین و نرخ‌گذاری قیمت‌های نسبی عوامل تولید به‌نفع عوامل مبتنی بر دانش، حمایت از حقوق مالکیت دارایی‌های فیزیکی و فکری و محترم شمردن حق ثبت اختراعات و ابداعات، کاهش هزینه‌های مبادله، سیاستگذاری صحیح ابزارهای سیاستی و غیره) انگیزه سرمایه‌گذاری در کسب‌وکار، فعالیت‌های نوآورانه و مبتکرانه و تحقیقاتی، جذب و تأمین منابع مالی خارجی و تخصیص بهینه منابع را تحریک کند و زمینه استفاده بهینه از ظرفیت‌های تولیدی، رشد درآمد سرانه و رفاه عمومی را فراهم نماید؛ همچنین شواهدی وجود دارد که اثر مثبت سرمایه انسانی، سرمایه‌گذاری فیزیکی و منابع طبیعی بر رشد درآمد را تأیید می‌کند، اما بیانگر اثر مبهم تورم بر متغیر وابسته است.

بر اساس نتایج پژوهش حاضر پیشنهاد می‌شود حکمرانان در کشورهای مورد بررسی نقش حیاتی تنظیم‌گری و سیاستگذاری دولت‌ها (مبتنی بر تقویت مکانیزم بازارها و قدرت رقابتی)، تأمین قضایی (مبتنی بر حمایت از دستاوردهای فیزیکی و معنوی سرمایه‌گذاران و کاهش هزینه‌های مبادله) و پاسخگویی و مشارکت گروه‌ها (مبتنی بر انتخاب بهترین گزینه‌های سیاستی و تصمیم‌سازی) را با دقت بیشتری مورد توجه قرار دهند، زیرا ارتقای نهادهای سیاسی-اقتصادی نه‌تنها منجر به بهبود آب‌وهوای اجتماعی و وضعیت روانی

[Downloaded from qjerp.ir on 2026-11-05]

شهروندان شده و اثر مستقیم بر رشد اقتصادی کشورها می‌گذارند بلکه از طریق برهم‌کنش و آثار متقابل با عوامل دانش‌بنیان، انگیزه‌های سرمایه‌گذاری در کسب‌وکار داخلی و خارجی را متأثر می‌کند و رشد باثبات درآمد سرانه و رفاه جامعه را به همراه خواهد داشت.

منابع

شاه‌آبادی، ابوالفضل و عبداله پورجوان (پاییز ۱۳۹۰)، "نهادها و رشد اقتصادی: مطالعه پانل دیتا"، *فصلنامه اقتصاد و تجارت نوین*، سال ۸، شماره‌های ۳۱ و ۳۲، صفحات ۱۲۱-۹۳.

کمیجانی، اکبر و پروانه سلاطین (۱۳۸۹)، بررسی تأثیر کیفیت حکمرانی بر رشد اقتصادی در ایران و کشورهای منتخب همسایه (ترکیه و پاکستان)"، *فصلنامه مدیریت*، سال ۷، شماره ۲۰، صص ۴۱- ۲۷.

کمیجانی، اکبر و پروانه سلاطین (۱۳۸۷)، "تأثیر حکمرانی خوب بر رشد اقتصادی در گروه کشورهای منتخب OPEC و OECD"، *فصلنامه مدلسازی اقتصادی*، سال ۲، شماره ۲، پیاپی ۶، صص ۲۴- ۱.

کمیجانی، اکبر، عبادی، جعفر و ناهید پوررستمی (۱۳۸۹)، "آزادسازی مالی و نقش آن در توسعه مالی با توجه به توسعه نهادی و قانونی (مقایسه بین کشورهای در حال توسعه و نوظهور)"، *نامه مفید*، سال ۱۴، شماره ۶۹، صص ۳۰- ۳.

گجراتی، دامودار (۲۰۱۰)، *مبانی اقتصادسنجی*، ترجمه حمید ابریشمی، انتشارات دانشگاه تهران، چاپ ۶. تهران.

مهدوی‌عادلی، محمدحسین، حسین‌زاده‌بحرینی، محمدحسین و افسانه جوادی (۱۳۸۷)، "تأثیر حکمرانی خوب بر جذب سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی در کشورهای با درآمد متوسط"، *مجله علمی- پژوهشی دانش و توسعه*، سال ۱۵، شماره ۲۴، صص ۱۰۲-۸۵.

نصیری‌اقدم، علی و الیاس نادران (۱۳۸۵)، "هزینه مبادله تأمین مالی بنگاه‌های تولید- ساخت (مطالعه موردی ۴۰ بنگاه کوچک)"، *تحقیقات اقتصادی*، شماره ۷۴، صص ۱۲۱-۸۳.

Acemoglu, D., Johnson, S. & J. Robinson (2004), "Institutions as the Fundamental Cause of Long-Run Growth, National Bureau of Economic Research", Working Paper, No. 10481. Available online in: www.nyu.edu/econ/user/bisina/acemoglu_robinson.pdf.

Acemoglu, D., Johnson, S., Robinson, J. & Y. Thaicharoen (2003), "Institutional Causes, Macroeconomic Symptoms: Volatility, Crises and Growth, *Journal of Monetary Economics*, No. 50, PP. 49-123.

Aidt, T., Dutta, J. & V. Sena (2008), "Governance Regimes, Corruption and Growth: Theory and Evidence", *Journal of Comparative Economics*, Vol. 36, PP. 195–220.

Aron, J. (2000), "Growth and Institutions: A Review of the Evidence", Available Online in www.w3.ced.unicz.it/upload/daniele/ecoapplicata1.pdf.

[Downloaded from qjerp.ir on 2026-11-05]

Asian Development Bank (2010), "Governance and Institutional Quality and the Links with Economic Growth and Income Inequality: With Special Reference to Developing Asia, ADB Economics Working Paper Series, No. 193, Available Online in www.adb.org/.../ADB.../ADB-WP03-Governance-Sustainable-Develo.pdf.

Asian Development Bank (2008), "Governance and Sustainable Development: The Asian Development Bank Perspective**,** ADB Sustainable Development Working Paper Series, No. 3, Available Online in: www.adb.org/.../ADB.../ADB-WP03-Governance-Sustainable-Develo.pdf.

Badun, M. (2005), "The Quality of Governance and Economic Growth in Croatia", *Financial Theory and Practice*, Vol. 29, No. 4, PP. 279-308.

Coase, R. H. (1937), "The Nature of the Firm, *Economica*, Vol. 4, PP. 386-405.

Coe, D. T., Helpman, E. & A. W. Hoffmaister (2009), "International R&D Spillovers and Institutions", *European Economic Review*, No. 53, PP. 723–741.

Craswell, R. (1999), "Contract Law: General Theories", Available Online in encyclo.find**law**.com/4000book.pdf.

DaCosta, M. (2007), "Colonial Origins, Institutions and Economic Performance in the Caribbean: Guyana and Barbados", IMF Working Paper, 07/43. Available Online in: www.imf.org/external/pubs/ft/wp/2007/wp0743.pdf.

Evans, P. & J. Rauch (1999), **"**Bureaucracy and Growth: A Cross National Analysis of the Effects of Weberian" State Structures on Economic Growth", *American Sociological Review*, Vol. 64, No. 5, PP. 748-765.

Glaeser, E. L., Rafael L. P., Florencio L. S. & Sh. **Andrei** (2004), **"**Do Institutions Cause Growth?", National Bureau of Economic Research Working Paper, No.10568. *Journal of Economic* Growth, Vol. 9, PP. 27l-303, Available Online in www.economics.harvard.edu/.../ do_institutions_cause_growth.pdf.

Gradstein, M. (2004), "Governance and growth", *Journal of Development Economics*, Vol. 73, PP. 505– 518.

Gonçalves da Silva, M. F., Garcia, F. & A. C. Bandeira (2001), "How Does Corruption Hurt Growth? Evidences about the Effects of Corruption on Factors Productivity and Per Capita Income", Available Online in www.transparencia.org.br/docs/Corr-growth.pdf.

Hall, R. & C. I. Jones (1999), "Why do Some Countries Produce so Much Output Per Worker than Others?", *Quarterly Journal of Economics*, Vol. 114, No.1, PP. 83-117.

Johnston. J. & J. Dinardo (1997), *Econometric Methods*, Fourth Edition, MacGraw-hill.

Jalilian, H., Kirkpatrick, C. & D. Parker (2007), "The Impact of Regulation on Economic Growth in Developing Countries: A Cross-Country Analysis", World Development, Vol. 35, No. 1, PP. 87-103.

Kaufmann, D., Kraay, A. & M. Mastruzzi (2009), "Governance Matters VIII: Aggregate and Individual Governance Indicators (1996-2008)", Policy Research Working Paper 4978.

Kaufmann, D., Kraay, A. & M. Mastruzzi (2008a), "Governance Matters VII: Aggregate and Individual Governance Indicators (1996-2007)", Policy Research Working Paper 4654.

Kaufmann, D. & A. Kraay (2008b), "Governance Indicators: Where Are We, Where Should We Be Going?", Policy Research Working Paper 4370.

Kaufmann, D., Kraay, A. & M. Mastruzzi (2007), "Governance Matters VI: Aggregate and Individual Governance Indicators (1996-2006)", Policy Research Working Paper 4280.

[Downloaded from qjerp.ir on 2026-11-05]

Kaufmann, D., Kraay, A. & M. Mastruzzi (2006), "Governance Matters V: Aggregate and Individual Governance Indicators (1996-2005)", Policy Research Working Paper 4012.
Kaufmann, D. & A. Kraay (2002), "Growth without Governance", World Bank Policy Research, Working Paper, Available online: http://siteresources.worldbank.org/ INTWBIGOVANTCOR/ Resources/growthgov.pdf.
Kirkpatrick, C. & D. Parker (2005), "The Impact of Privatization in Developing Countries: a Review of the Evidence and the Policy Lessons", *Journal of Development Studies*, Vol. 41, No. 4, PP. 513–541.
Knack, S. & P. Keefer (1995), "Institutions and Economic Performance: Cross-Country Tests Using Alternative Institutional Measures", *Economics and Politics*, Vol. 7, No. 207, PP. 207-227.
Libman, A. (2008), "Democracy, Size of Bureaucracy, and Economic Growth: Evidence from Russian Regions", Available online in: cdse.uni-mannheim.de/dipa/61.pdf.
MacFarlan, M., Edison, H. & N. Spatafora (2003), "Growth and Institutions", Available Online in: www.imf.org/external/pubs/ft/weo/2003/01/pdf/chapter3.pdf.
Majone, G. (1997), "From the Positive to the Regulatory State", *Journal of Public Policy*, Vol. 17, No, 2, PP. 139-167.
Mauro, P. (1995), "Corruption and Growth", *Quarterly Journal of Economics*, August, Vol. 110, No. 3, PP. 681-713.
Moers, L. (1999), **"**Growth Empirics with Institutional Measures and Its Application to Transition Countries: A Survey", Tinbergen Institute Discussion Papers, No. 98-126/2. Available online in: www.tinbergen.nl/uvatin/98126.pdf.
North, D. C. (1990), "Institutions, Institutional Change and Economic Performance", Cambridge: Cambridge University Press.
Rodrik, D. (1997), "TFPG Controversies Institutions, and Economic Performance in East Asia", National Bureau of Economic Research Working Paper, No. 5914.
Rodrik, D. (2004), **"**Getting Institutions Right", CESifo DICE Report, Vol. 2, PP. 10-15.
World Bank (2001), "Private Sector Development Strategy Directions for the World Bank Group. Mimeo", World Bank, Washington, DC.
World Bank (2002), "World Development Report", Building Institutions for Markets. Washington, DC: World Bank.
World Bank (2014), Available Online in http://data.worldbank.org/.

[Downloaded from qjerp.ir on 2026-11-05]

پیوست

جدول ۱. فهرست کشورهای آسیایی مورد مطالعه و برخی از مهم‌ترین آمارهای توصیفی طی دوره مورد مطالعه (۲۰۱۲-۱۹۹۶)

نام کشورها	میانگین شاخص نهادی کیفیت مقررات	میانگین شاخص نهادی تأمین قضایی	میانگین GDP سرانه (به قیمت ثابت ۲۰۰۵-دلار)	میانگین رشد GDP سرانه (٪)	میانگین جذب FDI (٪ از GDP)	میانگین هزینه‌های R&D (٪ از GDP)	نرخ تورم (٪)
ارمنستان	۰/۱۳	-۰/۴۱	۱۴۶۸	۷/۶	۶	۰/۲۳	۵/۶
آذربایجان	-۰/۵۸	-۰/۸۸	۱۷۴۲	۱۰	۱۷/۷	۰/۲۷	۹/۷
چین	-۰/۲۴	-۰/۴۲	۱۸۰۲	۸/۹	۴	۱/۲۲	۳/۵
هند	-۰/۳۳	۰/۰۸	۷۶۴	۵/۳	۱/۳۵	۰/۷۵	۵/۹
اندونزی	-۰/۳۷	-۰/۷	۱۳۰۵	۲/۶۵	۰/۸۷	۰/۰۶	۱۴/۸
ایران	-۱/۵۱	-۰/۷۹	۲۶۶۷	۳/۲	۰/۸۶	۰/۶۴	۱۷/۷
قزاقستان	-۰/۴	-۰/۸۹	۳۴۷۷	۶	۸/۳۵	۰/۲۲	۱۵/۱
قرقیزستان	-۰/۳۳	-۱/۰۵	۴۷۶	۳/۲	۴/۶	۰/۲	۱۴/۴
پاکستان	-۰/۶۲	-۰/۸۳	۶۶۶	۱/۷	۱/۴	۰/۲۷	۱۰/۹
تاجیکستان	-۱/۱۳	-۱/۲۵	۳۲۰	۳/۸	۳/۷	۰/۰۸	۵۰/۷
تایلند	۰/۲۵	۰/۰۹	۲۶۳۸	۲/۵	۳/۴	۰/۲۲	۲/۹
ترکیه	۰/۲۷	۰/۰۳	۶۸۵۱	۲/۸	۱/۴	۰/۵۹	۳۴/۵

مأخذ: پایگاه آماری بانک جهانی، (http://databank.worldbank.org/data).

[Downloaded from qjerp.ir on 2026-11-05]